

تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۷، شماره ۶۳، بهار ۱۴۰۴، صص ۲۰۶-۲۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۶/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

(مقاله پژوهشی)

DOI:

۲۰۶

کانون روایت داستان حضرت آدم و حوا (ع) بر اساس دیدگاه ژرار ژنت

زینب کاظم‌پور^۱، دکتر شاهرخ حکمت^۲، دکتر مجید عزیزی^۳

چکیده

روایت یکی از مفاهیم رایج در نقد ادبی است، و روایت‌شناسی یکی از رویکردهای جدید مشتق شده از زبان‌شناسی است که به بررسی فنون و ساختار روایت‌ها می‌پردازد و روایت‌شناسان بسیاری در این حوزه نظریاتی ارائه داده‌اند. ژرار ژنت، ساختارگرای فرانسوی، از جمله این روایت‌شناسان بود که نظریه کانون روایت را مطرح ساخت. در این نظریه مقوله زمان دستوری (نظم، تداوم، بسامد)؛ وجه (فاصله و کانونی‌شدگی) و لحن یا صدا (راوی) به عنوان مهم‌ترین وجوه ساختار روایی مورد توجه قرار گرفت. از میان قصص مختلف قرآن، داستان حضرت آدم (ع) قابلیت بررسی بر طبق این نظریه را دارد. در این پژوهش داستان حضرت آدم (ع) به منزله نمونه‌ای از داستان‌های قرآنی و نیز به عنوان یک متن ادبی که عناصر روایی را در بر دارد، از دیدگاه نظریه ژرار ژنت مورد بررسی قرار می‌گیرد. جستار حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر مبنای نظریه روایت‌شناسی ژنت انجام شده و نتایج نشان می‌دهد که در این داستان، نظم، تداوم و بسامد در زمان دستوری، فاصله و کانونی‌شدگی در وجه داستان و راوی در لحن همه برای پیشبرد اهداف بلند و متعالی قرآن که در واقع هدایت و تربیت انسان‌هاست، صورت گرفته است.

کلید واژه‌ها: کانون روایت، زمان دستوری، وجه، ژرار ژنت، داستان آدم و حوا.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

kazempoorzinab@yahoo.com

^۲ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران. (نویسنده مسئول)

shahrokh.hekmat45@gmail.com

^۳ استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران.

m-azizi@iau-arak.ac.ir



مقدمه

یکی از جدیدترین رویکردها در تحلیل داستان، رویکرد روایت‌شناسی است. روایت‌شناسی یکی از علوم نسبتاً جدیدی است که در حوزه زبان‌شناسی شکل گرفته است و نظرات گوناگونی درباره آن ارائه شده و هر یک از روایت‌شناسان از دیدگاه خاصی به آن نگریسته و مورد بررسی قرار داده‌اند. یکی از این دیدگاه‌ها مربوط به مقوله زمان در داستان است. زمان داستان‌ها یا طبیعی است که در بستر زندگی واقعی جریان می‌یابد و زنجیره‌وار و پی‌درپی ذکر می‌شود یا زمان روایی است. از این رو، زمان همچون قالبی است که وقایع داستان در آن اتفاق می‌افتد. ژرار ژنت از نخستین روایت‌شناسانی است که موضوع زمان را مورد توجه و دقت قرار داده است. طبق بررسی‌های وی زمان در رمان و داستان با دنیای واقعی متفاوت است. ژنت در نظریه خود سه مقوله مهم زمان دستوری، وجه یا حال و هوا و لحن یا صدا را تشریح می‌کند. قصه‌های قرآن ساختار هنری خاصی دارند و چون سرگذشت پیامبران و گذشتگان را نقل می‌کند، می‌تواند از نظر روایت‌شناسی بررسی شود. داستان حضرت آدم و حوا (ع)، از داستان‌های زیبا و پرتکرار در قرآن است که عنصر زمان در آن نقش کلیدی دارد و سیر روانی آن به گونه‌ای است که سبب پویایی داستان و ترغیب مخاطب به خواندن آن می‌شود. لذا در این پژوهش، براساس دیدگاه ژنت به این قصه قرآنی پرداخته می‌شود.

پیشینه تحقیق

تاکنون داستان‌های زیادی از دیدگاه ژرار ژنت مورد بررسی قرار گرفته است، همچون: مقاله نوشته محمد پاشایی؛ «کانون روایت در الهی‌نامه عطار براساس نظریه ژنت» (۱۳۹۱)، به قلم ناصر علیزاده و سونا سلیمیان؛ «روایت‌شناسی رمان شناگر براساس نظریه ژنت» (۱۳۹۴)، نگارش مریم‌السادات اسعدی فیروزآبادی؛ «بلاغت روایی ژنت و کارکرد روایت در رمان‌های زویا پیرزاد» (۱۳۹۶)، نوشته ناصر علیزاده و مهناز مهدی‌زاد فرید؛ «بررسی روایت در رمان اسفار کاتبان براساس نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت» (۱۴۰۲)، نوشته مینا کرمی و همکاران. پژوهشگرانی هم درباره قصه‌های قرآنی بر اساس نظریه ژنت تحقیق کرده‌اند که تعداد آن اندک است و معرفی می‌شود: لطیفه سلامت‌باویل در مقاله «تحلیل ساختار روایت داستان یونس پیامبر در قرآن بر اساس نظریات ژرار ژنت» مؤلفه‌های زمان، وجه و لحن و عناصر نظم، تداوم و بسامد را در داستان یونس پیامبر مورد بررسی قرار دادند؛ سهیلا فرهنگی و زینب کاظم‌پور

(۱۳۹۳) در مقاله «کانون روایت در داستان حضرت ابراهیم (ع) بر اساس دیدگاه ژنت»، روایت، داستان، عمل روایتی و مؤلفه‌های رابط این سطوح را در داستان حضرت ابراهیم (ع) از دیدگاه روایت‌شناسی ژنت مورد بررسی قرار دادند؛ مهین حاجی‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، در پژوهش «تحلیل زمان روایی داستان حضرت سلیمان (ع) در قرآن کریم بر اساس نظریه ژرار ژنت»، با هدف پی‌بردن به اهمیت به کارگیری عنصر زمان، وابسته‌های آن به عنوان یکی از بنیان‌های روایت، مبحث زمان را از دیدگاه ژنت بررسی و تحلیل نمودند؛ جلال مرامی و همکاران (۱۴۰۱)، «بررسی زمانمندی روایت در داستان حضرت یوسف (ع) بر اساس نظریه ژرار ژنت»، برای پی‌بردن به کارکردهای زمانی داستان یوسف نبی و تحلیل آن در فهم ژانرهای روایی و تکنیک‌های مورد استفاده، مؤلفه‌های روایی داستان حضرت یوسف (ع)، را در پنج محور «نظم»، «تداوم»، «بسامد»، «وجه» و «لحن» بررسی نمودند، اما تاکنون پژوهشی درباره روایت‌شناسی داستان حضرت آدم و حوا (ع) بر اساس دیدگاه ژرار ژنت انجام نگرفته است.

روش تحقیق

جستار حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد روایت‌شناسانه بر مبنای نظریه ژرار ژنت انجام و اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

مبانی تحقیق

معرفی ژرار ژنت

ژرار ژنت نظریه‌پرداز فرانسوی و از چهره‌های برجسته مطالعات ادبی، در سال ۱۹۳۰م در شهر پاریس بدنیا آمد. کودکی و نوجوانی خود را در اکول نرمال سوپریور گذراند و مدرک لیسانس ادبیات کلاسیک خود را در سال ۱۹۵۴م در همان جا گرفت. او در جریان حرکت‌های فکری خود برای مقایسه و گسترش نظرات روایت‌شناسانه دوسوسور در حیطه زبان‌شناسی و دیدگاه استروس در زمینه انسان‌شناسی حضور گسترده‌ای داشت. وی به همراه ژاک دریدا در یک دبیرستان تدریس می‌کردند. او در سال ۱۹۶۳ به سمت دستیار و استادیار ادبیات فرانسه در دانشگاه سوربن منصوب شد. در سال ۱۹۶۷ به مقام مدیر پژوهش‌های زیباشناسی و نظریه ادبی در دانشگاه اکول پراتیک رسید.

نظریه ژرار ژنت

ژنت نظریه پیچیده و پر بار خود درباره زمان روایت را با توجه به کتاب «در جستجوی زمان از دست رفته» اثر پروست ارائه کرد.

وی در کتاب «گفتمان روایی» برای روایت سه سطح تعیین می‌کند: (۱) «داستان» (histoire): داستان رخدادها و شرکت‌کنندگان آنهاست که از طرز قرار گرفتن در متن متزع و بر اساس نظم گاهشمارانه بر ساخته می‌شود؛ (۲) متن روایی (Recit): کلامی مکتوب یا شفاهی است که رخدادها در آن نقل می‌شود. متن روایی، همان چیزی است که پیش رو داریم و رخدادها معمولاً در آن نظم گاهشمارانه ندارند؛ (۳) «روایتگری»: کنش یا فرایند خلق متن روایی است، از این رو ایجاد یا عمل روایت است. چون متن روایی کلامی شفاهی یا مکتوب است، لازم است کسی آن را بگوید یا بنویسد. (ر.ک: ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۱۲)

به عقیده سلدن و ویدسون، ژنت با تقسیم کردن روایت در سطوح سه‌گانه، تفاوتی را که فرمالیست‌های روسی میان «قصه» و «طرح» قائل می‌شدند، پرداخته‌تر نمود. (سلدن و ویدسون، ۱۳۸۴: ۱۴۶؛ نقل از کرمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۷۶) این ابعاد به سه جنبه زمان، وجه، لحن مربوط می‌شوند:

زمان

از دیدگاه ژنت زمان داستان، مدلول و زمان روایت آن دال است. در واقع زمان داستان وضعیتی قراردادی بین داستان و زمان رویداد و وقوع آن است و در سه مقوله نظم، تداوم و بسامد قابل بررسی است. (ر.ک: تولان، ۱۳۸۳: ۹۹) در بحث مؤلفه زمان در نظریه ژنت؛ میان زمان گاهشمارانه سطح داستان و زمان گاهشمارانه سطح متن ارتباط برقرار است. بدان گونه که حوادث در اصل رخ داده است و زمان متن، چگونگی جایگزین کردن این حوادث در سطح متن است. گاهی میان سیر زمان حوادث در سطح داستان و سطح متن رابطه متناظر برقرار است؛ از این رو رابطه زمانی این دو سطح عادی است. گاهی میان این دو نوع زمان نوعی اختلال رخ می‌دهد و به دو نوع زمان‌پریشی در متن منجر می‌شود: گذشته‌نگری و آینده‌نگری. ژنت از این نوع اختلالات زمانی به زمان‌پریشی تعبیر می‌کند. این دو گانگی زمانی، یعنی زمان داستان و زمان روایت ویژگی کلی روایت‌هاست. (ر.ک: ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۲۲)

الف) نظم و سامان (Order)

نظم بر روابط میان توالی مورد نظر رخدادها در داستان و سامان واقعی عرضه آن‌ها در متن نظارت دارد. در واقع نظم یعنی روابطی که بین توالی مفروض وقایع و ترتیب واقعی حضور آن‌ها در متن وجود دارد. هر گونه انحراف در ارائه متن نسبت به ترتیب وقوع حوادث در داستان «زمان‌پریشی» خوانده می‌شود. به عبارت دیگر زمان‌پریشی قسمتی از متن است که زودتر یا دیرتر از موقعیت طبیعی آن در توالی واقعه آمده است. زمان‌پریشی به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: الف) گذشته‌نگر ب) آینده‌نگر. «گذشته‌نگر یا تأخر» برگشتن به زمان گذشته است، یعنی واقعه‌ای در داستان زودتر اتفاق افتاده، ولی در متن دیرتر بیان می‌شود. «آینده‌نگر یا تقدم» حرکت نابهنگام به زمان آینده است، بنابراین، واقعه‌ای که بعداً قرار است بیان شود، قبل از زمان خود بیان می‌شود. (ر.ک: تولان، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۸)

ب) تداوم (Duration)

تداوم به بررسی روابط میان گستره زمان که رخدادها را در بر می‌گیرد و حجم متن اختصاص یافته به عرضه همان رخدادها می‌پردازد. بر این اساس تداوم عبارت است از روابط بین گستره زمانی روی دادن واقعی حوادث مقدار متن اختصاص داده شده به ارائه همان حوادث. (ر.ک: همان: ۶۷)

ج) بسامد (Frequency)

بسامد سومین مؤلفه عمده زمانی است که تولان آن را بررسی تعداد وقوع رخدادهای داستان با تعداد نقل آن‌ها در متن؛ یعنی دفعات روایت یک واقعه در متن نسبت به دفعات روی دادن در داستان می‌داند.

ژنت در نظریه خود این پرسش را مطرح می‌کند که آیا حادثه‌ای تکراری هر بار از نگاه واحدی بیان شده است؟ در هر بار چه نقشی دارد؟ مثال معروف آن را، شیرینی خوردن مادران به همراه چای، در رمان پروست می‌داند. این موضوع، اهمیت شناخت زمان در داستان را نشان می‌دهد؛ مثلاً قطار مشهور سوسور، هر شب، ژنو را در ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه به مقصد پاریس ترک می‌کند، «در زبان‌شناسی «یک» قطار است و در سخن ادبی «هر شب» یک قطار است.» (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۱۶) بسامد در نظریه ژنت به سه نوع تقسیم شده است: مفرد، مکرر و بازگو.

بسامد مفرد

«بسامد مفرد» یا تک محور یک بار گفتن آنچه است که یک بار در داستان اتفاق افتاده است.
(ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۷۹)

بسامد مکرر

در «بسامد مکرر» یک حادثه واحد ممکن است توسط شخصیت‌های مختلف و از چشم-اندازهای متفاوت بیان شود، یا ممکن است به وسیله یک شخصیت و در مقاطع متفاوت زندگی‌اش بیان شود که در آن صورت هم با چشم‌اندازهای مختلفی روبه‌رو خواهیم شد. (برتنز، ۱۳۸۸: ۱۰۱)

بسامد بازگو

در «بسامد بازگو» واقعه‌ای که مرتباً و به استمرار اتفاق می‌افتد، تنها یکبار بیان می‌شود. به عقیده تولان بسامد به اندازه ترتیب و تداوم تجربی نیست؛ به همین دلیل از بین عناصر زمان، به بسامد کمتر پرداخته شده است. (ر.ک. تولان، ۱۳۸۳: ۵۵-۶۸)

وجه یا حال و هوا

وجه به عنوان یکی از جنبه‌های سخن‌روایی تابعی است از رابطه نقل و داستان، اما بیشتر با منظرها سر و کار دارد تا رخدادها. «وجه یا حالت یعنی راوی دیده‌های چه کسی را در روایت خود ارائه می‌دهد؛ از این رو در یک اثر داستانی وجه، مسائل مربوط به فاصله و منظر (کانونی‌شدگی) را در بر دارد.» (اسکولز، ۱۳۸۳: ۲۳۲)

الف) فاصله (Distance)

وجه یک سخن در میزان فاصله‌ای که روایت با بیان راوی دارد، نهفته است؛ به بیان دیگر از دیدگاه ژنت، فاصله به رابطه رعایت کردن با مقصود بیان آن می‌پردازد و اینکه آیا مسئله، تنها روایت کردن است که به روش تلسکوپ کانونی شده و راوی از نقل آن می‌گذرد و یا مسئله، به نمایش گذاشتن روایت است که به روش میکروسکوپ کانونی شده و راوی، نقل خود را با شرح جزئیات و به آهستگی بیان می‌کند. (ر.ک: کالر، ۱۳۸۵: ۱۲۱-۱۲۰)

ب) کانونی‌شدگی (focalized)

کانونی‌شدگی یکی از اصطلاحات مهم نظریه ژنت است. منظور از کانونی‌شدگی زاویه دیدی است که هر بخش معین از متن روایی از منظر آن دیده می‌شود.

زاویه دید یا شیوه نقل داستان برای ژنت اهمیت دارد. از نظر او، پرسپکتیو، نقطه دید یا موقعیتی ادراکی یا مفهومی است که خواننده به واسطه آن با حوادث و موقعیت‌های روایت شده داستان می‌تواند آشنا شود. این نقطه دید، زمانی از آن راوی است و زمانی از آن شخصیت داستان است. (ر.ک: گیلمت، ۱۳۸۷: ۹۵) به نظر ژنت فاعل کانونی‌شدگی «کانونی‌گر» است. کانونی‌گر کارگزاری است که می‌نگرد و نگریسته‌های او در متن روایی ثبت می‌شود. مفعول کانونی‌شدگی «کانونی شده» است. کانونی‌شده کسی یا چیزی است که کانونی‌گر مشاهده‌اش می‌کند. (ر.ک: ریمون کنان، ۱۳۸۷: ۹۹-۱۰۲) کانون روایت برتر دیدگاهی است که از بالا به وقایع و آدم‌ها نگاه می‌کند، چون جایگاهش برتر است، به شکل راوی دانای کل به کار می‌رود. این دیدگاه از نظر ژنت «روایت بدون شعاع کانونی است که در آن، اطلاعات راوی از شخصیت‌ها بیشتر است و معمولاً زیاده‌تر از آن‌ها حرف می‌زند.» (اخوت، ۱۳۷۱: ۹۷)

صدا و لحن (voice)

منظور از صدا همان صدای راوی است. هنگام تحلیل صدا رابطه راوی با داستان و نیز با متن روایی بررسی می‌شود. صدا در تعیین جایگاه، موضع راوی و اعتبار او به ما کمک می‌کند. راوی می‌تواند حوادث قبل، بعد و یا همزمان با وقوع آن‌ها را روایت کند. راوی ممکن است «بیرونی یا خارج از روایت خود» (heterodiegetic) باشد، یا مانند روایت‌هایی که از زبان اول شخص بیان می‌شود، «درونی یا داخل روایت خود» (Homodiegetic)، و نه تنها داخل روایت خود بلکه شخصیت اول آن نیز باشد. (ر.ک: برتنز، ۱۳۸۸: ۹۰-۸۹)

داستان حضرت آدم و حوا (ع)

داستان حضرت آدم و حوا در واقع داستان خلقت است که خداوند در سوره‌های بسیاری به این داستان اشاره کرده است: بقره: ۳۰-۳۹، آل عمران: ۵۹، صافات: ۱۱، حجر: ۲۶-۴۸، رحمان: ۱۴، اعراف: ۱۰-۲۷، اسراء: ۶۰-۶۴، کهف: ۵۰، ص: ۷۱-۸۳، مؤمنون: ۱۲، حج: ۵، سجده: ۷، طه: ۱۱۵-۱۲۴.

نام حضرت آدم (ع) که نخستین پیامبر است، ۱۶ بار و ۸ بار به عنوان بنی آدم و یک بار هم با عنوان ذریه آدم (ع) بر روی هم ۲۵ مرتبه در قرآن ذکر شده است. (ر.ک: قرشی، ۱۳۸۷: ج ۱/ ۳۸) هنگامی که خدا اراده کرد تا بر روی زمین، خلیفه و جانشینی قرار دهد که حاکم زمین باشد، به فرشتگان اطلاع داد، اما فرشتگان شگفت زده شدند و به خدا گفتند: انسانی را در زمین

قرار می دهی که با گناه و معصیت، فساد می کند و خونریزی می کند، در حالی که ما تو را منزله دانسته ایم. اما خدای متعال به آنان پاسخ داد که چیزهایی را می داند که فرشتگان از آن آگاهی ندارند. خداوند همه اسامی را به آدم می آموزد و به فرشتگان فرمان می دهد بر آدم سجده کنند و تنها ابلیس کبر می ورزد و سرباز می زند. به همین دلیل از درگاه خداوند رانده می شود و تا روز قیامت مورد لعن قرار می گیرد. ابلیس تا روز قیامت از پروردگار مهلت می گیرد تا انسان ها را به گمراهی بکشاند. به نظر طبری مقصود از اسامی، نام هایی از قبیل انسان و جانور و زمین و دشت و کوه و دریا است که مردم با آن یکدیگر و چیزهای جهان را می شناسند. (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۱/ ۱۷۰-۱۷۱) خداوند آدم را با جفتش به بهشت می فرستد و به او می گوید، از هر چه که می خواهید بخورید، بجز این درخت. اما شیطان آن دو را فریب می دهد و به سقوط و هبوط می کشاند. برخی گزارش های تاریخی حاکی از آن است که مکان هبوط حضرت آدم (علیه السلام) در منطقه «سرنیدیب» بوده (ر.ک: مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ج ۲/ ۱۲۸) و «آن جزیره ای در اقیانوس هند است که کوه بزرگی در خط استوا در آن منطقه وجود دارد» و محل هبوط حوا در جده بوده است همچنین گفته شده است که آدم به جست و جوی حوا رفت تا در منطقه مزدلفه به هم رسیدند و مکان معارفه شان «عرفات» نام گرفت. (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۱/ ۱۲۲-۱۲۱) و بدین ترتیب خداوند آنان را به زمین می فرستد تا در آنجا زندگی کنند و در روز معین برانگیخته شوند و به آن ها زنده می دهد تا شیطان به فتنه نیندازدشان.

بحث

در این پژوهش مؤلفه های مرتبط با سه سطح روایی داستان، متن روایی و روایتگری؛ یعنی: (۱) زمان دستوری (نظم و ترتیب، تداوم و بسامد)؛ (۲) وجه یا حال و هوا (فاصله و کانونی شدگی)؛ (۳) صدا یا لحن، در داستان حضرت آدم و حوا (ع)، بر اساس دیدگاه ژرار ژنت بررسی و تحلیل می شود تا میزان برخورداری قصص قرآنی از نظریات معاصر روایت شناسی را تبیین کند.

زمان دستوری

زمان داستان وضعیتی قراردادی بین داستان و زمان رویداد و وقوع آن است. در قصص قرآنی بسته به بافت و موقعیت سوره، نقل داستان ها کم یا زیاد می شود؛ اما این گونه نیست که داستان ها به تمامی از ابتدا تا انتها ذکر شود. گاهی بخشی از داستان پیامبران نقل

می‌شود؛ آن گاه زمان روایی به گذشته‌ای از زندگی آن پیامبر باز می‌گردد (گذشته‌نگر بیرونی)؛ گاه روایت به جایی در اوایل داستان پیامبران بر می‌گردد، اما این نقطه در درون داستان اصلی قرار دارد (گذشته‌نگر درونی)؛ گاهی نیز دوره زمانی گذشته‌نگر بیرونی از دل روایت اصلی سر بر می‌آورد یا به درون آن می‌پرد (گذشته‌نگر مرکب). البته همان گونه که در ادبیات داستانی روایی نیز مرسوم است، در قرآن قطع رشته حوادث و در کل، گذشته‌نگرها بدون منطق صورت نمی‌گیرد. (ر.ک: حری، ۱۳۸۷: ۹۷)

دلالت‌های زمانی در داستان حضرت آدم در قرآن عبارتند از: «وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (بقره / ۳۶)؛ «فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره / ۳۹)؛ «يَوْمَ يُبْعَثُونَ» (اعراف / ۱۴)، «يَوْمَ الدِّينِ» (ص / ۷۸)؛ «الْوَقْتُ الْمَعْلُومُ» (ص / ۸۱)

«سیر گاهشمارانه و تقویمی حوادث را در سیر زمان در داستان را طرح اولیه یا فابولا می‌نامند؛ اما می‌دانیم که به طور عموم در ادبیات داستانی و به ویژه در قصص قرآنی امکان ندارد که تمامی حوادث سطح داستان مو به مو در سطح متن ذکر شود و تمام زمان گاهشمارانه حوادث داستان در متن پیش روی خواننده قرار گیرد، بلکه با توجه به بافت و حال و هوای مورد نظر رابطه میان این دو زمان ایجاد می‌شود.» (حری، ۱۳۸۷: ۹۷)

در داستان حضرت آدم سطح داستان در آیات و سوره‌های مختلف، ضمن تعقیب هدف اصلی، هرگاه موقعیتی یا مناسبتی ایجاد کرده، گلچینی از حوادث سطح داستان به اندازه و شیوه‌ای مناسب، در سطح متن ذکر شده است، بنابراین تمام زمان گاهشمارانه حوادث داستان، با توجه به موقعیت و بافت، بین دو زمان داستان و متن ایجاد شده است.

نظم و سامان

درباره رخداد زمان قصه حضرت آدم و حوا (ع) باید گفت که داستان مربوط به زمان آغاز آفرینش و گذشته بسیار دور است که در زمان حال (دوران پیامبر) این داستان از طریق جبرئیل بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. لازم به ذکر است که تمام روایت‌هایی که به گذشته مربوط است، از دل زمان حال برمی‌آیند.

رخدادهای زمان گذشته دور (گذشته‌نگر) در این داستان عبارتند از: آفرینش جن از آتشی سوزان و بدون دود قبل از آدم «وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ» (حجر: ۲۷)؛ پروردگار به فرشتگان وعده جانشینی بر روی زمین داد: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ

خَلِيفَةً» (بقره: ۳۰)؛ آفرینش آدم از خاک: «كَمْثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران: ۵۹)؛ سجده کردن فرشتگان به آدم و نافرمانی ابلیس: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره: ۳۴)؛ آفرینش حوا از جنس آدم و سکونت دادن در بهشت و نهی کردن از شجره ممنوعه: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (بقره: ۳۵)؛ بیرون راندن ابلیس و مهلت خواستن او برای گمراه کردن بندگان (حجر: ۳۶-۴۰)؛ فریب آدم و حوا از سوی ابلیس: «فَازَلَهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ» (بقره: ۳۶)؛ بیرون راندن آدم و حوا از بهشت و بخشیدن آن‌ها: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» * «فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (بقره: ۳۷-۳۸)؛ هبوط آدم به سرندیب و هبوط حوا به جده و ملاقات آن‌ها در عرفات.

رخدادهای گذشته نزدیک در روایت این داستان، از جانب خدای متعال بر حضرت محمد (ص) نازل شده است و اما رخدادهای آینده‌نگر در این داستان موارد زیر است:

سوگند شیطان که بندگان تو را تا روز قیامت گمراه می‌کنم: «قَالَ فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ» (اعراف: ۱۶)؛ وعده خداوند که هرکس از یاد من روی برگرداند، زندگی بر او تنگ خواهد شد و در رستخیز نابینا محسور گردد: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ» (طه / ۱۲۴)؛ خطاب خداوند به بندگان که از هدایم پیروی کنید گمراه نمی‌شوید و از شیطان پیروی کنید سزایتان جهنم است: «قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» * وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (بقره: ۳۸-۳۹).

تداوم

در قصص قرآنی، گاه سرعت نقل حوادث سطح داستان در سطح متن افزایش می‌یابد؛ به دیگر سخن، مقادیری از زمان داستان در سطح متن حذف می‌شود. حذف دو نوع است: صریح و تلویحی. در حذف صریح مشخص می‌شود که چه مقدار از داستان حذف شده است. در حذف تلویحی، هیچ اشاره روشنی به تغییر یا تبدیل در زمان داستان نمی‌شود؛ برای نمونه، گاهی سرگذشت پیامبری در بیش از بیست آیه به روشنی ذکر می‌شود، گاهی نیز در یک آیه به

کنایه؛ مثل داستان مهمانان وارد شده بر ابراهیم (ع) در سوره ذاریات. (ر.ک: حری، ۱۳۸۷: ۹۹).
تداوم مشخص می‌کند که روایت چگونه می‌تواند قطعه‌ای را حذف کند، بسط دهد، خلاصه کند، درنگ و کوتاهی ایجاد کند و نظایر آن. (ر.ک: ایگلتون، ۱۳۸۶: ۱۴۵-۱۴۶) تداوم در رخدادهای داستان حضرت آدم و حوا (ع) بدین گونه است:

زمان فساد و طغیان انسان بر روی زمین از آغاز خلقت است تا پایان؛ اما در چند سطر آورده شده است (بقره: ۳۰)؛ سجده نکردن ابلیس به آدم در یک لحظه بود، اما چندین سطر به خود اختصاص داده است (بقره: ۳۴؛ حجر: ۳۰-۳۱)؛ خلقت انسان از خاک و سپس به صورت نطفه، علقه و مضغه تا مدتی در رحم‌ها قرار می‌دهیم و آنگاه شما را به صورت کودک بیرون می‌آوریم و سپس رشد می‌کنید و برخی به غایت پیر می‌شوید..... همه این‌ها به اندازه یک عمر طولانی است که تنها در چند سطر آمده است (مؤمنون: ۱۴)؛ رانده شدن ابلیس از مقامش در یک لحظه اتفاق افتاده، اما در چندین سطر آورده شده است (بقره: ۳۴)؛ به ابلیس از آغاز آفرینش آدم تا پایان جهان مهلت داده شده، اما تنها در چند سطر آورده شده است. (ص: ۸۱)

البته باید گفت که حذف و خلاصه و بسط منجر به ایجاز و اطناب می‌شود که از اعجاز قرآن به شمار می‌آید. به عنوان مثال خداوند در سوره اعراف می‌فرماید: «لَأْمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ» و در سوره حجر با اطناب در قسم، از منتفی شدن تسلط ابلیس بر بندگان خدا به استثنای انسان‌های گمراه، می‌فرماید: «قَالَ هَذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيمٌ* إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ إِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْغَاوِينَ». در سوره حجر، توصیف جهنم که سرانجام پیروان ابلیس است، با طول و تفصیل بیان می‌شود. علاوه بر آن، اطنابی که در دستور به سجود ملائکه در سوره حجر به چشم می‌خورد با اطناب در توصیف امثال (=فرمان‌برداری) تناسب دارد. در حالیکه اختصار در سوره اعراف (أَسْجُدُوا) با ایجاز در بیان امثال (فَسَجُدُوا) متناسب است.

خداوند در قرآن از هبوط حضرت آدم به سرنذیب و حوا به جده سخنی نگفته است و اشاره‌ای نکرده که هر کدام به منطقه‌ای جداگانه هبوط و در عرفات همدیگر را دیدار می‌کنند و این حذفی است که صورت گرفته و منجر به ایجاز شده است. از دیگر ایجازهای این داستان در قرآن این موارد است: در قرآن کریم واژه حوا ذکر نشده و ذیل آیات راجع به حضرت آدم، از حوا با عنوان همسر آدم (زَوْجَكَ) یاد شده است (ر.ک: سوره بقره/ ۳۵؛ طه/ ۱۱۷؛ اعراف/ ۱۹). نحوه خلقت حوا که فقط گفته شده حوا از حیّ (موجود زنده، یعنی آدم) خلق شده است

(ر.ک: بقره: ۳۵) که بنابر روایات خدا حوا را از یکی از دنده‌های آدم آفرید. (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۸۶: ج ۲/ ۴۷۱)

بسامد

انواع بسامد در داستان حضرت آدم (ع) بدین شکل است:

الف) بسامد مفرد

بسامد مفرد معمول‌ترین نوع بسامد است. آفرینش آدم به عنوان جانشین یکبار اتفاق افتاد و یک بار در متن آورده شده است (بقره: ۳۰)؛ آفرینش عیسی (ع) از خاک یک بار اتفاق افتاده و یک بار در متن این داستان آورده شده است. (آل‌عمران: ۵۹)

ب) بسامد مکرر

سجده نکردن ابلیس بر آدم یک بار اتفاق افتاد، اما پنج بار در متن قرآن روایت شده است (اعراف: ۱۱؛ حجر: ۳۰؛ اسراء: ۶۱؛ کهف: ۵۰؛ طه: ۱۱۶)؛ لغزش آدم (ع) و هبوط او و حوا به زمین یک بار اتفاق افتاد، اما در متن بارها به آن اشاره شده است (آل‌عمران: ۳۵-۵۹؛ حجر: ۲۶؛ مؤمنون: ۱۲؛ حج: ۵؛ ص: ۷۱؛ صافات: ۱۱؛ حجر: ۴۸؛ الرحمن: ۱۴؛ سجده: ۷). همچنین در قرآن به جزئیات این هبوط اشاره نشده است. اینکه آدم به سرندید و حوا به جده فرود آمد و آدم به جستجوی حوا رفت و او را در مزدلفه ملاقات کرد، سخنی به میان نیامده است؛ خلقت انسان از خاک یکبار اتفاق افتاده، اما چند بار در متن قرآن آمده است. (بقره: ۳۵-۳۹؛ اعراف: ۱۹-۲۷؛ طه ۱۱۵-۱۲۴)

ج) بسامد بازگو

ستایش فرشتگان مداوم است، اما یک بار روایت شده است: «...نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره: ۳۰)؛ ویژگی‌های بهشت و جهنم و ماندن در آنجا مداوم است، اما یک بار در متن آمده است: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا...» (بقره: ۳۵).

وجه یا حال و هوا

الف) فاصله

منظور از فاصله، فاصله میان داستان و روایتگری است که بیشترین فاصله میان دو سطح یاد شده نتیجه ترکیب بیشترین حضور راوی و ارائه حداقلی اطلاعات و جزئیات است و کمترین

فاصله، از ترکیب ارائه بیشترین اطلاعات و کمترین حضور راوی به دست می‌آید. (ر.ک: تایسن، ۱۳۸۷: ۳۷۳-۳۷۴)

راوی در داستان حضرت آدم و حوا (ع) خداوند متعال (سوم شخص و دانای کل) است. خداوند با ارائه بیشترین اطلاعات درباره چگونگی آفرینش حضرت آدم و حوا (ع) فاصله داستان و متن روایی را به حداقل می‌رساند و با اطلاعات دقیق متن کاملاً واقع‌گرایانه است.

ب) کانونی‌شدگی

همان‌طور که اشاره شد، متن روایی داستان حضرت آدم و حوا، حوادثی است که در گذشته اتفاق افتاده و از طریق وحی به پیامبر (ص) نازل شده که به این گونه روایت، روایت گذشته‌نگر می‌گویند و شیوه روایت‌گری در این قصه دانای کل سوم شخص است. البته خداوند در بیان آفرینش انسان و سجده نکردن او در آیه ۱۱ سوره اعراف و آیه ۱۱۷ سوره طه از زاویه دید متکلم مع‌الغیر سخن گفته است.

در این داستان راوی کانونی‌گر چند کانونی‌شده دارد: اولین کانونی‌شده جبرئیل و سپس پیامبر (ص) است؛ زیرا این متن روایی از طریق جبرئیل بر پیامبر (ص) نازل شده است و در واقع کانونی‌شده خارجی هستند. کانونی‌شده دیگر حضرت آدم و حوا است و یک کانونی‌شده داخلی است؛ چون از احساسات درونی او خبر می‌دهد، آنجا که وسوسه می‌شود و فریب می‌خورد (بقره: ۳۶)... یا آنجا که اظهار پشیمانی می‌کند (بقره: ۳۷)... از دیگر کانونی‌شده داخلی ابلیس است که کبر ورزید (بقره: ۳۴)... و فرشتگان کانونی‌شده داخلی که به خداوند گفتند: در روی زمین کسی قرار می‌دهی که فساد کند.. (بقره: ۳۰) و کانونی‌شده‌های خارجی متن روایی غیرانسانی عبارتند از: شجره ممنوعه، بهشت، جهنم و... .

در داستان حضرت آدم و حوا (ع) کانونی‌گر ثابت است، اما کانونی‌شدگی این متن روایی متغیر است؛ زیرا علاوه بر آدم و حوا کانونی‌شده‌های دیگری نیز دارد که همواره از یکی به دیگری تغییر می‌کند. درباره وجوه کانونی‌شدگی در متن روایی قصه حضرت آدم و حوا، مکان و زمان دو مؤلفه مهم و تعیین‌کننده در وجه ادراکی است. راوی کانونی‌نگر این داستان به دلیل اینکه سوم شخص و دانای کل است، بر مکان و زمان نامحدود نظارت دارد و از نگاه خود مشاهدات را ثبت می‌کند. این کانونی‌نگر از آغاز آفرینش آدم (ع) درباره زمان‌ها و مکان‌هایی می‌گوید که خود ناظر بر آن بوده است.

صدا و لحن

در این متن روایی راوی خداوند متعال با ضمیر سوم شخص دانای کل سخن می‌گوید. خواننده تمام رخدادها را به وسیله کلام خداوند درمی‌یابد و مخاطب، پیامبر (ص) و بندگان هستند. راوی داستان را از داخل متن آغاز کرده و صدای او بیش از همه بر وقایع داستان آگاه است. این داستان متنی ساختارمند است؛ زیرا سطح داستانی و روایی و توالی زمانی و علی رخدادها (خلقت انسان، جانشین قراردادن وی، شگفتی فرشتگان، سجده فرشتگان بر آدم، نافرمانی ابلیس و رانده شدنش از بهشت، مهلت گرفتن ابلیس از خدا برای گمراه نمودن انسان‌ها، رفتن آدم و حوا به بهشت، فریفتن ابلیس، خوردن میوه ممنوعه، و هبوط به زمین) را می‌توان در متن مشاهده کرد.

در گفتگوها بهتر می‌توان به لحن شخصیت‌های داستان پی برد. به عنوان نمونه در گفتگوی میان خداوند و فرشتگان که خداوند خلیفه‌اللهی انسان را مطرح می‌کند، لحن اعتراضی فرشتگان دیده می‌شود (ر.ک: بقره/ ۳۰-۳۳) یا در آیه ۴ سوره بقره، زمانی که خداوند از فرشتگان می‌خواهد بر آدم سجده کند، لحن دستوری و امری دیده می‌شود یا در آیات ۲۲، ۲۴ و ۲۵ سوره اعراف، در گفتگوی خداوند با آدم، لحن پشیمانی آدم از نافرمانی و خوردن میوه ممنوعه دیده می‌شود که منجر به توبه آن حضرت می‌گردد و خداوند نیز توبه وی را می‌پذیرد. یا لحن وسوسه‌گر و اغوکننده ابلیس در فریفتن آدم و حوا و برانگیختن آن‌ها به خوردن میوه ممنوعه، در آیه ۳۵ سوره بقره به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری

تا کنون بیشتر جنبه‌های دین‌شناختی داستان‌های قرآنی مورد توجه قرار گرفته و کمتر به جنبه‌های ادبی و هنری آن پرداخته شده است. در این جستار چنان که مشاهده کردید، داستان حضرت آدم و حوا (ع) بر اساس مؤلفه‌های روایت‌شناسی ژرار ژنت، روایت‌شناس معاصر فرانسوی، مورد بررسی قرار گرفت. این بررسی نشان داد که داستان حضرت آدم و حوا یک داستان روایت‌مند است که اگرچه از طریق وحی و از جانب پروردگار است و هزار و چهارصد سال پیش بر پیامبر (ص) نازل شده، اما از عناصر هنری، که دانشمندان در قرون معاصر به آن دست پیدا کرده‌اند، برخوردار است و این کتاب کهن می‌تواند مختص همه زمان‌ها باشد. قصه حضرت آدم و حوا (ع) مربوط به زمان آغاز آفرینش است که در زمان حال (دوران پیامبر) از

طریق جبرئیل بر حضرت محمد (ص) نازل شده است. کل داستان در قرآن به صورت منسجم نیامده و در سوره‌های پراکنده به این داستان اشاره شده است. بسامد یا رابطه میان راه‌های تکرار رخدادها در داستان و در متن روایت در هر سه شکل بسامد مفرد، مکرر و بازگو در این داستان ظاهر می‌شود. راوی این داستان خداوند متعال (سوم شخص و دانای کل و گاه متکلم مع‌الغیر) است که با ارائه بیشترین اطلاعات چگونگی داستان آفرینش حضرت آدم (ع) فاصله داستان و متن روایی را به حداقل می‌رساند. به همین علت روایت به متنی واقع‌گرایانه تبدیل می‌شود. راوی کانونی‌گر این داستان به دلیل اینکه دانای کل است، بر مکان و زمان نامحدود نظارت دارد و از نگاه خود مشاهدات را بیان می‌کند. این داستان را می‌توان روایتی ساختارمند دانست؛ زیرا سطح داستانی و روایی و ترتیب و توالی زمانی و علی‌رخداده‌ها را می‌توان در متن به خوبی مشاهده کرد.

در این روایت قرآنی، سطوح روایی نظریه ژرارژنت و مؤلفه‌های آن در تعامل با یکدیگر قرار گرفته‌اند و تبیین داستان حضرت آدم (ع) با این نظریه با می‌تواند ادراک و تفسیر بهتر این قصه را برای مخاطبان هموار نماید.

منابع

کتاب‌ها

قرآن کریم.

ابن بابویه. (۱۳۸۶). *علل الشرایع*، نجف: افست قم.

احمدی، بابک. (۱۳۸۰). *ساختار و تأویل متن*، تهران: مرکز.

اخوت، احمد. (۱۳۷۱). *دستور زبان داستان*، اصفهان: فردا.

اسکولز، رابرت. (۱۳۸۳). *درآمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران:

آگاه.

ایگلثون، تری. (۱۳۸۶). *پیش درآمدی بر نظریه ادبی*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.

برتز، یوهانس ویلم. (۱۳۸۸). *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه سجودی، تهران: آهنگ دیگر.

تایسن، لویس. (۱۳۸۷). *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*، ترجمه مازیار حسین‌زاده و فاطمه

حسینی، تهران: نگاه امروز.

تولان، مایکل جی. (۱۳۸۳). *درآمدی نقادانه-زبان‌شناختی بر روایت*، ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: بنیاد سینمایی فارابی.

ریمون-کنان، شلومیت. (۱۳۸۷). *روایت داستانی: بوطیقای معاصر*، ترجمه ابوالفضل حرّی، تهران: نیلوفر.

سلدن، رامان و پیتر ویدوسون. (۱۳۸۴). *راهنمای نظریه ادبی معاصر*، ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.

طبری، محمدبن جریر. (۱۳۸۷ق). *تاریخ الأمم و الملوک*، تحقیق، محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث.

طبری، محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.

قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۸۷). *قاموس قرآن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کالر، جانانان. (۱۳۸۵). *نظریه ادبی*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.

مدنی شیرازی، علی‌خان‌بن احمد. (۱۳۸۴). *الطراز الأول و الكناز لما علیه من لغة العرب المعول*، مشهد: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

مقالات

حرّی، ابوالفضل. (۱۳۸۷)، احسن القصص: رویکرد روایت شناختی به قصص قرآنی. *نقد ادبی*، ۱ (۲)، ۸۳-۱۲۲.

کرمی، مینا، فلاحی، منیژه، و اسکندری، علی. (۱۴۰۲). بررسی روایت در رمان اسفار کاتبان بر اساس نظریه روایت‌شناسی ژرار ژنت. *تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*،

۱۵ (۵۷)، ۲۷۱-۲۹۲. DOI: 10.30495/DK.2022.1950107.2412

گیلمت، لوسی. (۱۳۸۷). روایت‌شناسی ژرار ژنت، ترجمه محمد علی مسعودی. *فصلنامه ادبی خوانش*، ۲ (۸)، ۸۵-۱۰۶.

References

Books

The Holy Quran. [In Persian]

Ahmadi, Babak. (2001). *Text Structure and Interpretation*, Tehran: Marka. [In Persian]

Bertens, Johannes Willem. (2009). *Literary Theory*, Trans. Farzan Sojodi, Tehran: Another Song. [In Persian]

Eagleton, Terry. (2007). *Introduction to Literary Theory*, Trans. Abbas Mokhber, sixth edition, Tehran: Markaz. [In Persian]

Kahler, Jonathan. (2006). *Literary Theory (very brief introduction)*, Trans. Farzaneh Taheri. Tehran: Center. [In Persian]

Okhovat, Ahmad. (1992). *Grammar of the story*, Isfahan: Farda. [In Persian]

Qureshi, Seyyed Ali Akbar. (2008). *Qur'an Dictionary*, Tehran: Dar al-Kutb al-Islamiyya. [In Persian]

Rimon-Kenan, Shlomit. (2008). *Narrative story: contemporary boutiques*, Trans. Abolfazl Hari, Tehran: Nilufar. [In Persian]

Selden, Raman, & Widowson, Peter. (2005). *Handbook of Contemporary Literary Theory*, Trans. Abbas Mokhber, Tehran: Tarh-e No. [In Persian]

Tabari, Muhammad bin Jarir. (1991). *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*, Beirut: Dar al-Marafa.

Tolan, Michaelji. (2008). *A Critical-Linguistic Introduction to Narration (translated by Abolfazl Hori)*, Tehran: Farabi Cinema Foundation. [In Persian]

Tyson, Lewis. (2008). *Theories of Contemporary Literary Criticism*, Trans. Maziar Hosseinzadeh and Fatemeh Hosseini, Tehran: Today's Look. [In Persian]

Articles

Gilmet, Lucy. (2008). Gerard Genet Narrative. Trans. Mohammad Ali Masoudi. *Literary Quarterly of Reading*, 2(8), 85- 106. [In Persian]

Horri, A. (2008). Ahsan al-Qasas: a narratological approach to Quranic stories. *Literary criticism*, 1(2). 83-122. [In Persian]

Karmi, M., Fallahi, M., & Eskandari, A. (2023). Analysis of the narrative in the novel Esfar Katban based on the narratological theory of Gérard Genet, *Interpretation and analysis of Persian language and literature texts (Dehkhoda)*, 15(57), 271-292. DOI: 10.30495/DK.2022.1950107.2412. [In Persian]

Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts (Dehkhoda)

Volume 17, Number 63, Spring 2025, pp. 206-223

Date of receipt: 9/9/2023, Date of acceptance: 4/1/2024

(Research Article)

DOI:

The center of narration of the story of Adam and Eve (PBUH) based on Gerard Genet's point of view

Zeinab Kazempoor¹, Dr. Shahrokh Hekmat², Dr. Majid Azizi³

Abstract

Narrative is one of the common concepts in literary criticism, and narratology is one of the new approaches derived from linguistics that examines the techniques and structure of narratives, and many narratologists have presented theories in this field. Gérard Genet, a French structuralist, was one of these narratologists who proposed the theory of narrative focus. In this theory, the category of grammatical time (order, continuity, frequency); Aspect (distance and focalization) and tone or voice (narrator) were considered as the most important aspects of the narrative structure. Among the different stories of the Qur'an, the story of Adam (PBUH) can be analyzed according to this theory. In this research, the story of Prophet Adam (PBUH) as an example of Quranic stories and also as a literary text that includes narrative elements, is examined from the point of view of Gérard Genet's theory. The present essay was done in a descriptive-analytical way and based on Genette's theory of narratology and the results show that in this story, order, continuity and frequency in grammatical time, distance and focalization in the face of the story and the narrator in the tone of all to advance high goals. And the transcendence of the Qur'an, which is actually the guidance and training of humans, has taken place.

Key words: Narrative center, Grammatical tense, Aspect, Gerard Genet, Adam and Eve story.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ . PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. kazempoorzinab@yahoo.com

² . Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. (Corresponding author) shahrokh.hekmat45@gmail.com

³ . Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran. m-azizi@iau-arak.ac.ir